

5053 - حق مادرم بر من و حق من بر مادر و میزان استقلال من

سوال

من چند پرسش درباره والدین دارم

۱- مادرم چه حقی بر گردن من دارد؟

۲- حق من بر مادرم چیست؟

۳- چه کارهایی (طبعاً کارهای مباح) می‌توانم انجام بدهم بدون آنکه مادرم حق داشته باشد جلوی من را بگیرد؟

۴- چه وقت‌هایی پدر می‌تواند حرف آخر را در یک موضوع بزند؟

من مادرم را خیلی خیلی دوست دارم و او هم قصد حمایت از من را دارد تا جایی که بعضی وقت‌ها فکر می‌کنم دست و پایم را بسته‌اند. می‌دانم که این کارها را از شدت دوست داشتن من انجام می‌دهد اما چطور می‌توانم به او بگویم که برای انتخاب‌هایم در زندگی کمی هم آزادی لازم دارم؟

پاسخ مفصل

اولاً: حق مادر بر فرزند:

مادر حقوق بسیار و بزرگی بر فرزند دارد که در شمار نمی‌آید از جمله:

۱- محبت و بزرگداشت او در دل و جان در حد توان زیرا مادر شایسته‌ترین شخص برای دوستی و محبت است.

از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت است که مردی نزد رسول الله - صلی الله علیه وسلم - آمد و گفت: ای رسول خدا، چه کسی شایسته‌ترین کس برای دوستی من به نیکی است؟ فرمود: «مادرت». گفت: سپس چه کسی؟ فرمود: «مادرت» گفت: دیگر چه کسی؟ فرمود: «مادرت» گفت: سپس چه کسی؟ فرمود: «سپس پدرت» به روایت بخاری (۵۶۲۶) و مسلم (۲۵۴۸).

اوست که شکمش جای تو و سینه‌اش غذای تو بود و محبتش ناگزیر و این مقتضای فطرت است و بلکه محبت بین مادر و فرزند را خداوند حتی در حیوانات قرار داده بنابراین بشر به آن شایسته‌تر و مسلمانان در این محبت اولی‌ترند.

۲- رعایت و انجام امور آنان در صورت نیاز و این دینی است در گردن فرزند. آیا او فرزندش را در کودکی نگه نداشته و شب‌ها را برایش بیداری نکشیده و بر آزارش صبر نکرده است؟

الله تعالی می فرماید:

﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا﴾

[احقاف: ۱۵]

(و انسان را نسبت به پدر و مادرش به احسان سفارش کردیم. مادرش او را با تحمل رنج باردار شد و با تحمل رنج به دنیا آورد).

بلکه در صورت تعارض این مساله با جهاد، رسیدگی به پدر و مادر اولویت دارد:

از عبدالله بن عمرو بن العاص - رضی الله عنهما - روایت است که مردی به نزد پیامبر - صلی الله علیه وسلم - آمد و از وی برای جهاد اجازه خواست. پیامبر - صلی الله علیه وسلم - به او فرمود: آیا پدر و مادرت زنده اند؟ گفت: آری. فرمود: «پس برای آن دو جهاد کن» به روایت بخاری (۲۸۴۲) و مسلم (۲۵۴۹).

۳- نیاززدن او و دوری از گفتار و کرداری که دوست ندارد.

الله تعالی می فرماید:

﴿فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفْ﴾

[اسراء: ۲۳]

(پس به آنها [حتی] اف مگو).

اگر الله تعالی گفتن «اف» به آن دو را حرام کرده کار کسانی که آنها را می زنند چگونه است؟!

۴- خرج کردن برای مادر در صورتی که توانایی مالی ندارد و همسری ندارد که زندگی اش را تامین کند یا همسرش فقیر است. بلکه هزینه کردن برای مادر و غذا دادن به او نزد نیکوکاران از هزینه کردن برای فرزندان محبوب تر است.

از ابن عمر - رضی الله عنهما - روایت است که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمود: «سه تن [در مسیری] در حال رفتن بودند که باران گرفت، پس وارد غاری در کوهی شدند پس صخره‌ای بر در آن غار افتاد پس به یکدیگر گفتند: خدا را با بهترین کاری که در عمر خود انجام داده‌اید به دعا بخوانید [تا نجات یابیم] پس یکی از آنان گفت: خداوندا من پدر و مادر پیر و کهنسالی داشتم پس برای چوپانی بیرون می‌رفتم سپس برمی‌گشتم و شیر می‌دوشیدم و شیر را به نزد پدر و مادرم می‌آوردم و آنان می‌نوشیدند و سپس به کودکان و خانواده و زنم می‌نوشاندم. شبی دیر کردم و آمدم و دیدم که خوابند. خوش نداشتم که آنها را بیدار کنم و کودکان هم نزد پاهایم با صدای بلند می‌گریستند و در همین حال بودیم تا آنکه صبح در آمد. خداوندا اگر می‌دانی که من این کار

را برای خشنودی تو انجام داده‌ام پس بر ما گشایشی عطا کن که آسمان را ببینیم.. راوی می‌گوید: پس بر آنها گشوده شد...» به روایت بخاری (۲۱۰۱) و مسلم (۲۷۴۳).

اطاعت امر مادر اگر امر به کار نیکی کند، اما اگر به کار بدی مانند شرک امر کرد در معصیت خالق اطاعت از مخلوق جایز نیست. الله تعالی می‌فرماید:

﴿وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا﴾.

[لقمان: ۱۵]

(و اگر تو را وادارند تا در درباره چیزی که به آن دانشی نداری به من شرک ورزی از آنان فرمان مبر ولی در دنیا به خوبی با آنان معاشرت کن).

۵- اما پس از مرگشان سنت است که کفاره‌هایی که بر عهده آنان است را ادا کنی و به جایشان صدقه دهی یا حج و عمره را به جای آوری.

از ابن عباس - رضی الله عنهما - روایت است که زنی از جهینه به نزد پیامبر - صلی الله علیه وسلم - آمد و گفت: مادرم نذر کرده بود که حج کند اما حج را به جای نیامد تا آنکه از دنیا رفت، آیا به جایش حج کنم؟ فرمود: «آری به جایش حج کن. آیا اگر بر عهده مادرت قرضی بود آن را ادا می‌کردی؟ قرض الله را نیز ادا کنید که این شایسته‌تر به اداست». به روایت بخاری (۱۷۵۴).

۶- همینطور پس از مرگ او نیکی در حقش با حفظ ارتباط با کسانی که با آنان ارتباط داشت و احترامشان می‌گذاشت مانند نزدیکان و دوستانش سنت است.

از عبدالله بن عمر روایت است که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: «یکی از بهترین نیکی‌ها ارتباط شخص با کسانی است که پدرش دوستشان داشت پس از آنکه او از دنیا رفته است». به روایت مسلم (۲۵۵۲).

ثانیا: حقوقی که تو بر مادرت داری:

۱- نگهداری از تو وقتی که کودک هستی و شیر دادن به تو که این بخشی از فطرت مردم است و از آغاز خلقت بر همین روش بوده‌اند. الله تعالی می‌فرماید:

﴿وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنَمِّ الرِّضَاعَةَ﴾.

[بقره: ۲۳۳]

(و مادران [باید] فرزندان خود را دو سال تمام شیر دهند [این] برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند).

۲- اینکه تو را تربیتی نیکو کند و او در روز قیامت درباره تو در برابر خداوند مورد پرسش قرار خواهد گرفت زیرا تو رعیت او، و او مسئول و راعی توست.

از عبدالله بن عمر روایت است که گفت: شنیدم رسول الله - صلی الله علیه وسلم - می فرمود: «همه تان راعی (مسئول) و همه تان در برابر رعیت خود مسئولید. امام (حاکم) راعی است و مسئول رعیت خود است و مرد در خانواده اش راعی و مسئول رعیت خود است و زن در خانه همسرش راعی است و مسئول رعیت خود است و خدمتکار در مال صاحبش راعی است و مسئول رعیت خود است - و گمان می کنم که گفت - و مرد در مال پدرش راعی است و مسئول رعیت خود است و همه تان راعی هستید و مسئول رعیت خود». به روایت بخاری (۸۵۳) و مسلم (۱۸۲۹).

۳- اما آنچه برای تو حلال است انجامش دهی - از مباحات - بدون آنکه مادرت حق دخالت درباره آن را داشته باشد: شما حق دارید چیزی را که از مباحات دوست دارید و سلیقه ای است را برای خود انتخاب کنید و ایشان سلطه ای در این زمینه ندارند. چیزهایی مانند غذا و نوشیدنی و لباس و وسیله سواری و...

اما دخالت در امور شما از جهت بیرون رفتن از خانه و برگشتن یا شب نشینی با دوستان؛ در این زمینه بر پدر و مادر واجب است که مراقب فرزند خود باشند و رفت و آمد او را تنظیم و کنترل کنند تا فرزند اسیر دوستان بد نشود چرا که بیشترین عامل فساد جوانان، دوستان بد است و پیامبر - صلی الله علیه وسلم - در همین باره می فرماید: «شخص بر دین دوست خود است، پس هر یک از شما ببیند با چه کسی دوستی می کند» به روایت ترمذی (۲۳۸۷) و ابوداؤد (۴۸۳۳).

این حدیث را ترمذی حسن دانسته و آلبانی صحیح می داند چنانکه در «تحفة الأحوذی» (۷/ ۴۲) آمده است.

همینطور باید مراقب فرزند در هنگام بازگشت به خانه باشند و این که کجا می رود، زیرا جایز نیست فرزند را کاملاً رها کنند به ویژه اگر اهل استقامت نباشد.

شما نیز باید منزلت آن دو را مراعات کرده و به آنها احترام گذاشته و به نیکی با آن دو دوستی کنی حتی اگر در مورد آنچه مباح است به تو سخت بگیرند زیرا خداوند به ما امر کرده تا به نیکی با آنها مصاحبت کنیم حتی اگر کافر بوده و ما را به شرک دعوت کنند، چه رسد به اینکه آن دو ما را به چیزی امر می کنند که کاملاً مطمئن هستیم خیر ما در آن است هر چند برخی از دستوراتشان باعث سخت گیری بر ما در امری شود که مباح است. بنابراین بهتر آن است که اطاعتشان کنی و آنچه را دوست دارند انجام دهی اگرچه این کار واجب نباشد بلکه از روی فداکاری و ایثار، زیرا آنان شایسته ترین کس به نیکی ما هستند و الله متعال اطاعت از والدین را مستقیماً پس از عبادت خود آورده که این بیانگر منزلت نیکی به والدین است.

۴- پدر حرف آخر را در مواردی که داخل در مسئولیت اوست دارد؛ مثلاً اینکه به کدام مدرسه بروی و همینطور در مواردی که به مالکیت او وابسته است. مثلاً اینکه بتوانی از اتومبیل او استفاده کنی یا از مال او برداری.

اما فرزند بزرگی که مستقل است و هزینه‌اش را خودش برآورده می‌کند، او خودش برای خود از آنچه مباح است انتخاب می‌کند و مشروع است که تا جایی که با طاعت الله در تعارض نیست رضایت پدرش را به دست بیاورد و باید در هر سنی که هست و از روی نیکی و حسن معاشرت پدرش را گرامی بدارد زیرا از ابن عمر - رضی الله عنهما - روایت است که گفت: «هرگز بالای پشت بام خانه‌ای که پدرم در آن بود نرفتم».

همینطور اگر پدر فرزندش را به به کاری نیک یا ترک مباحی امر کرد تا وقتی که زیانی برایش ندارد اطاعت امرش کند.

۵- اما اینکه چطور به مادران بگویید که خواهان آزادی بیشتری هستید، این از طریق گفتار و کردار ممکن است.

اما به روش عملی به این صورت است که عملاً ثابت کنید شما آن کودک گذشته نیستید و اکنون برای خود مردی شده‌اید که می‌توانید مسئولیت‌های خود را تحمل کنید و در برابر ایشان مانند یک انسان بالغ رفتار کنید. هرگاه ایشان چنین چیزی را بارها از شما ببینید به شما اعتماد می‌کند و منزلت شما نزد ایشان بالا می‌رود.

با گفتار نیز از طریق استدلال واضح و مناقشه آرام و سخن نرم و زدن مثال از کارهای صحیح‌تان امکان دارد. چه بسا الله تعالی سینه ایشان را گشاده گرداند تا با شما همانند یک انسان بالغ رفتار کند.

از الله برای خود و شما و والدین شما هدایت به راه درست خواهیم. و صلی الله علی نبینا محمد.